

مولود دعای امام زمان (عج) و معمار تفکر شیعی



شیخ صدوق را مولود دعای امام زمان (عج) دانسته‌اند، وی به دستور امام غائب کتابی در خصوص غیبت نوشت، از سویی دیگر وی را از معماران تفکر حدیثی شیعه خوانده‌اند.

شیخ صدوق را مولود دعای امام زمان (عج) دانسته‌اند، وی به دستور امام غائب کتابی در خصوص غیبت نوشت، از سویی دیگر وی را از معماران تفکر حدیثی شیعه خوانده‌اند.

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، شیخ صدوق نقش مهمی در شکل‌گیری اندیشه دینی و شیعی دارد. وی یکی از کتب چهارگانه حدیثی شیعه را نگاشته و از بسیاری از باورهای شیعه دفاع کرده است. هرچند او را از پیشگامان اندیشه اخباری عنوان کرده‌اند، نمی‌توان شیخ صدوق را به تمامه در این اردوگاه فکری قرار داد.

زندگی و مقام علمی شیخ صدوق
305 سال قمری پس از هجرت پیامبر به یثرب، در قم پسری به دنیا آمد که او را محمد نام نهادند. ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق و ابن بابویه از بزرگان علم حدیث شیعه است. شیخ طوسی وی را عمادالدین خوانده است. ابن بابویه در سال 381 قمری و در شهر ری از دنیا رفت. در خصوص تولد شیخ صدوق گفته‌اند که پدر در 50 سالگی دارای فرزند نشده بود که به واسطه حسین بن روح، سومین نائب امام زمان (عج) از ایشان خواست تا مشکل حل شود. در جواب نامه امام چنین فرموده بودند که «از خداوند خواستم دو پسر روزیت کند که وجودشان، خیر و برکت باشد».

با اجابت دعای امام زمان (عج) شیخ صدوق به دنیا آمد و منشا خیرات فراوان در جهان اسلام شد. 850 سال پس از مرگ و دفن شیخ صدوق نیز اتفاق غریبی افتاد. بر اثر باران اطراف مزار وی فروکش کرد، در حین بازسازی متوجه شدند که بدن بی‌جان سالم است و آثار رنگ حنا بر ناخن‌هایش باقی مانده، فتحعلی شاه قاجار پس از مشاهده پیکر شریف شیخ صدوق دستور به بازسازی و تجدید بنای بقعه را صادر کرد.

پدر بزرگوار شیخ صدوق در زمان خود رهبر مرجعیت شیعی محسوب می‌شد و فرزند راه پدر را ادامه داد. برخی ابن بابویه را بزرگترین محدث و فقیه مکتب حدیثی قم دانسته‌اند که در حدود 300 اثر علمی به او نسبت داده شده است. بی‌شک معروف‌ترین اثر شیخ صدوق کتاب «من لا یحضره الفقیه» است که یکی از چهار کتاب اصلی شیعیان است. «معانی الاخبار»، «عیون الاخبار»، «الخصال»، «علل الشرائع» و «صفات الشیعة» را نیز از دیگر آثار معروف شیخ صدوق عنوان کرده‌اند. شاگردان معروفش سید مرتضی، شیخ مفید و تلعبکری هستند.

شیخ صدوق در زمان آل بویه می‌زیست که مذهب زیدی داشته و به شیعیان نزدیک بودند. ابن بابویه از حشر و نشرهایی که با آل بویه داشت نهایت استفاده را در پیش‌برد آیین شیعی به عمل آورد. وی روابط نزدیکی با صاحب بن عباد وزیر مؤیدالدوله حاکم آل بویه در ری، همدان و اصفهان داشت. همچنین رکن‌الدوله شاه دیگری از این سلسله با وی ارتباط نزدیکی برقرار کرده و به دعوت همین شاه بود که قم را به مقصد ری ترک نمود. برخی از پژوهشگران این مساله را به خاطر مهاجرت کلینی از ری به بغداد و وفاتش در آنجا عنوان کرده‌اند.

ابن بابویه بیش از بیست سال از دوران پیر برکت حیات پدر را درک نموده و در این مدت از محضر پدر و سایر علمای قم مانند محمد بن حسن بن احمد بن ولید بهره‌مند شد. برخی از اساتید وی از سادات زیدی بودند. در سن 22 یا 23 سالگی پس از درگذشت پدر بزرگوارش وظیفه سنگین نشر احادیث ائمه اطهار (ع) را بر عهده گرفت و تا پایان عمر آن را به خوبی انجام داد. شیخ طوسی در معرفی شخصیت علمی شیخ صدوق می‌گوید:

«او دانشمندی جلیل‌القدر و حافظ احادیث بود. از احوال رجال، کاملاً آگاه و در سلسله احادیث، نقادی عالی مقام به شمار می‌آمد. بین بزرگان قم، از نظر حفظ احادیث و کثرت معلومات مثل و مانندی نداشت و در حدود سیصد اثر تالیفی از خود به یادگار گذاشته است».

از دیگر شاگردان معروفش که بعدها نهضت علمی شیعه را تداوم دادند، عبارتند از علی بن احمد بن عباس، پدر شیخ نجاشی، ابن غضائری، ابو عبدالله حسین بن عبیدالله بن ابراهیم و ابوالحسن جعفر بن حسین قمی که استاد شیخ طوسی بود. رجالی کبیر، نجاشی درباره ابن بابویه می‌گوید: «ابو جعفر (شیخ صدوق) ساکن ری، فقیه و چهره برجسته شیعه در خراسان است، او به بغداد نیز وارد شد و با این که در سن جوانی بود همه بزرگان شیعه از او استماع حدیث می‌کردند.» و علامه بحرانی هم در خصوص وی چنین تصریح کرده است: «جمعی از اصحاب ما، از جمله علامه در «مختلف»، شهید در «شرح ارشاد» و سید محقق داماد، روایات مرسله صدوق را صحیح می‌دانند و به آنها عمل می‌کنند، زیرا همان گونه که روایات مرسله ابن ابی عمیر پذیرفته شده، روایات مرسله صدوق هم مورد قبول واقع شده است».

ویژگی‌های فکری شیخ صدوق

ویژگی عمده مکتب قم، اخبارگرایی بود که در عین حال، از فرقه‌گرایی و افراطی‌گری غلو به مقدار زیادی دور بود. عمده تألیفات علمای قم، به صورت کتاب حدیث بود و در عین حال که بر اساس احادیث اهل بیت از تشبیه و عقاید نادرست نسبت به خداوند دور بودند، اما با استدلال عقلی نیز میانه‌ای نداشتند. در حقیقت آنها اعتقادات عقلی خود را از متن روایات امامان(ع) بر می‌گرفتند.

احمد پاکتچی ابن بابویه را در راس اصحاب حدیث دانسته که «با تکیه بر اخبار، هرگونه اجتهاد و حتی «استنباط» را نفی می‌کردند». وی معتقد است که بیشتر فقیهان امامی معتقد به بسط حداکثری احکام با حذف قیاس تمایل داشتند. پاکتچی بر آن است که بابویه کوشیده است تا با کنار هم نهادن احادیث امامیه نوعی انسجام به احادیث بدهد. شیخ صدوق در کتاب معروفش «من لایحضر الفقیه» کوشش کرده است تا احادیث را بدون سلسله روایی‌شان در باب‌های فقهی قرار دهد.

رویکرد حدیثی شیخ صدوق را شاید در خصوصیت دوران حیات او یافت. او در عصری می‌زیست که می‌توان آن را «عصر احیا تنقیح حدیث» نامید. سه قرن حاکمیت خلفای جور باعث شده بود تا بازار جعل حدیث رونق زیادی داشته باشد. از این رو شیخ صدوق کوشید در اثر معروفش راه کلینی را در کافی ادامه داده و احادیث جعلی را از جامعه حدیثی عالم تشیع بپیراید. وی در این راستا سفرهای زیادی داشت و احادیث را از بلخ، بخارا، کوفه، بغداد، مشهد و نیشابور جمع‌آوری و تنقیح ساخت. علاوه بر حدیث وی در کلام و اعتقادات شیعی دستاوردهای زیادی داشت. ابن بابویه وقتی در مکه بود، امام زمان(عج) را به خواب دید و دستور تدوین کتابی در خصوص غیبت را دریافت کرد و پس از آن در این زمینه کتابی نگاشت.

وی در زمینه علم کلام با برخی از مکاتب امامی از جمله اهل غلو و اهل تقصیر درگیر بود و کتابی در این باب به نام «ابطال الغلو و التقصیر» نگاشت. وی در دفاع از آموزه مهدویت شبهات مطرح شده از سوی معتزله و زیدیه را پاسخ گفت.

هرچند دیدگاه غالب در خصوص وی آن است که وی را باید از معماران اندیشه حدیثی شیعی دانست که بعدها اخباری خوانده‌اند، اما برخی از محققان مانند «مارتین مک درموت» وی را نزدیک به معتزلیان دانسته است. وی در کتاب «التوحید» و «کمال‌الدین و تمام النعمه» عقل‌گرایی خود را به نمایش گذاشته است، هر چند در خصوص میزان عقل‌گرایی و چگونگی به کارگیری عقل در متون دینی شیوه خاصی داشته باشد. ابن بابویه عقل را حجت خدا بر مردم و تمییزدهنده راست از دورغ و خوبی از بدی و خیر از شر می‌دانسته است. به نظر او عقل برترین آفریده خداست و مطیع‌ترین و شریف‌ترین مخلوقات است. به نظر شیخ صدوق ثواب و عقاب بر اساس عقل اعطا می‌شود. وی در کتاب «التوحید» معتقد به امکان شناخت خدا با عقل است.